

«فراخوان ملی برگزاری رفراندوم»

تویی جدید در میدان اپوزیسیون و پوزیسیون حاکم بر ایران

رضا اکرمی

در عمل معنی چنین سیاستی این خواهد بود که بدون اینکه با نسخه جدید «منشور ۸۱» وارد یک ائتلاف سیاسی شویم، شکل مبارزه مستقل این بخش از اپوزیسیون را بیایم، با حفظ همسوئی در شعار نسبت به تهیه متنی اقدام شود که ضمن مرز بندی روشن با هر نوع رژیم ولایتی یا موروثی بر اصول اساسی پیش گفته تأکید نماید و در عمل نیز جنبش رفراندوم طلبی را دامنگیر تر نماید.

از چنین زاویه ای این اقدام به طور قطع در میان جناحهای مختلف حکومت قبل از همه، و طبعاً در صفوف اپوزیسیون رژیم با واکنشهای گوناگونی مواجه خواهد شد.

اگر از واکنش مسئولین رژیم و احزاب حکومتی در ایران هنوز خبری در دست نیست. اما این روزها شاهدیم که صفحات اکثر سایتهای فارسی زبان در خارج از کشور، در نقد و یا حمایت از این فراخوان انتشار می یابد. گروهی تا خیر در حمایت بی چون و چرا از این حرکت را جایز نمی شمارند، دسته ای باز هم دست های توطئه جدید کار چاقکنهای حکومت اسلامی را در میان می بینند و بلاخره گروهی همچنان ساکت و نظاره گرند.

به نظر می رسد اپوزیسیون چپ، جمهوریخواه، دمکرات و لائیک نمی تواند نسبت به چنین تلاشی بی تفاوت بماند.

این بخش از اپوزیسیون می تواند نسبت به این ارزیابی و مطالبه که: «از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی و عملکرد نهادهای برخاسته از آن: با اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق آزادی های فردی و اجتماعی مردم در تضاد بنیادین است» به نابرابری حقوقی میان شهروندان ایران رسمیت بخشیده، تبعیض دینی و مذهبی، عقیدتی و جنسیتی را قانونی کرده و با حکومت استبداد دینی از ملت ایران عملاً سلب حق حاکمیت کرده است.

سد بزرگی در برابر پیشرفت در تمام زمینه ها، از جمله توسعه اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی در ایران فراهم کرده است و مانع پیوستن ایران به اردوی جهان آزاد و طبعاً از بین رفتن منافع کشور در مناسبات دیپلماتیک شده است.

خواهان برگزاری یک همه پرسی با نظارت نهادهای بین المللی برای تشکیل مجلس موسسان به منظور تدوین پیش نویس یک قانون اساسی نوین» گردد.

اما از همین امروز برای تحقق این هدف با نیروهائی وارد تلاش مشترک گردد که در رأس این «قانون اساسی نوین» برقراری جمهوری، دمکراسی، لائیسیته و برابری حقوق خلقها، اقوام، مذاهب، عقاید و زن و مرد را به عنوان پایه ای ترین اصول دمکراتیک به رسمیت به شناسد و برای تحقق آنها بکوشد.

آنچه از هفته پیش تحت عنوان «فراخوان ملی برگزاری رفراندوم» بر روی سایتی به همین عنوان قرار گرفته است و تا کنون واکنشهای بسیاری را بویژه در میان قلم زنان سیاسی در خارج از کشور برانگیخته است، بنا بر شواهدی که دیده می شود حاصل گفتگوها و رایزنی های تنی چند از فعالین اصلاح طلب در داخل و خارج از کشور است که از مدتها پیش تلاشهای خود را از سر گرفته اند و بدرستی به این نتیجه رسیده اند که: «تجربه هشت سال گذشته نشان میدهد که با وجود قانون اساسی و ساختار کنونی، امکان اصلاح کشور در هیچ جهتی متصور نیست.» اما بدلالی که همه جوانب آن بر این نگاره روشن نیست. اولاً؛ مایل نیستند از نوع و محتوای آن نظام دمکراتیکی که خود از آن دفاع می کنند به روشنی دفاع نمایند، ضمن اینکه حق تمام شهروندان ایرانی را در مجلس مؤسسان ذکر شده در طرح خود، برای تعیین نظام مورد نظر شان به رسمیت به شنا سند. ثانیاً، از آنجا که اکثراً به جریان موسوم به ملی- مذهبی تعلق دارند لازم ندیده اند که در کنار برخی مختصات نظام دمکراتیکی که از آن نام برده اند به درس بزرگ ۲۶ سال تلفیق دین و دولت و ناسازگاری بنیانی آن با استقرار آزادی و دمکراسی در کشور اشاره داشته باشند. و این در حالیست که می دانیم تأکید بر اعلامیه جهانی حقوق بشر به خودی خود پاسخی برای حل تلفیق دین و دولت بدنبال نخواهد داشت. و بالاخره، امضاء کنندگان اولیه این فراخوان در حالیکه بدرستی فراموش نکرده اند که بر ضرورت «حفظ تمامیت ارضی و منافع ملی و ایجاد روابط مسالمت آمیز با جامعه جهانی» تأکید نمایند از یاد برده اند که ایران کشوریست متشکل از خلقهای فارس، آذری، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن و آنگاه که از «تبعیض دینی و مذهبی، عقیدتی و جنسیتی» نام می برند به چنین واقعیتی نیز اشاره داشته باشند.

اما اصل موضوع و محور طرح امضاء کنندگان بر تعیین شعار و مطالبه ای گذاشته شده است اگر چه در میان نیروهای اپوزیسیون جدید نیست، اما می تواند در شرایط امروز ایران و با توجه به تأییراتی که در میان بخشی از فعالین سیاسی- اجتماعی در داخل کشور دارد، عرصه جدیدی را در پیش جنبش مردم باز نماید.

کانون نویسندگان ایران

خواهان محو سانسور، در هر شکل آن هستیم

کانون نویسندگان ایران با صدور بیانیه ای با بحران کمبود کاغذ و تشدید ممیزی کتاب اعتراض کرد. در پی اظهار نظرهای برخی از ناشران درباره

به گزارش ایسنا، در بیانیه این کانون آمده است: «آزادی اندیشه و بیان و نشر در همه عرصه های حیات فردی و اجتماعی، بی هیچ حصر و استثنا، حق همگان است. این حق در انحصار هیچ فرد، گروه یا نهادی نیست، و هیچ کس را نمی توان از آن محروم کرد.

سانسور - با هر شکل آن - بزرگترین تیشه ای است که بر ریشه فرهنگ و اعتدالی فرهنگی یک ملت وارد می آید. با کمال تأسف، مدتی است که با تشدید فشارها و مشکلات پیشین، به ویژه سانسور، روند صنعت نشر و کتاب و تولید آثار فرهنگی و ادبی، به طرز بارزی دچار کاستی شده است. علاوه بر آن، نبود و کمبود کالای کاغذ، کار ناشران را به جایی رسانده است که بیم ورشکستگی بعضی از آنان در میان است، که مجموعه این معضلات از جمله تشدید سانسور، باعث رکودی تازه در کار نشر شده است. از آنجا که بحران صنعت نشر، بالطبع آزادی اندیشه و بیان را تهدید و محدودتر می کند، کانون نویسندگان ایران جدا به این شرایط معترض است و بر مبنای منشور خود، خواهان محو سانسور - با هر شکل آن - است.